



دو هفته نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی سحر
انجمن اسلامی دانشجویان مستقل
دانشگاه علامه طباطبائی | شماره چهل و هشتم | اسفند ۱۴۰۰

پیوند

مرزهای فراموش شده

وینتر

در این شماره بیشتر می خوانید:

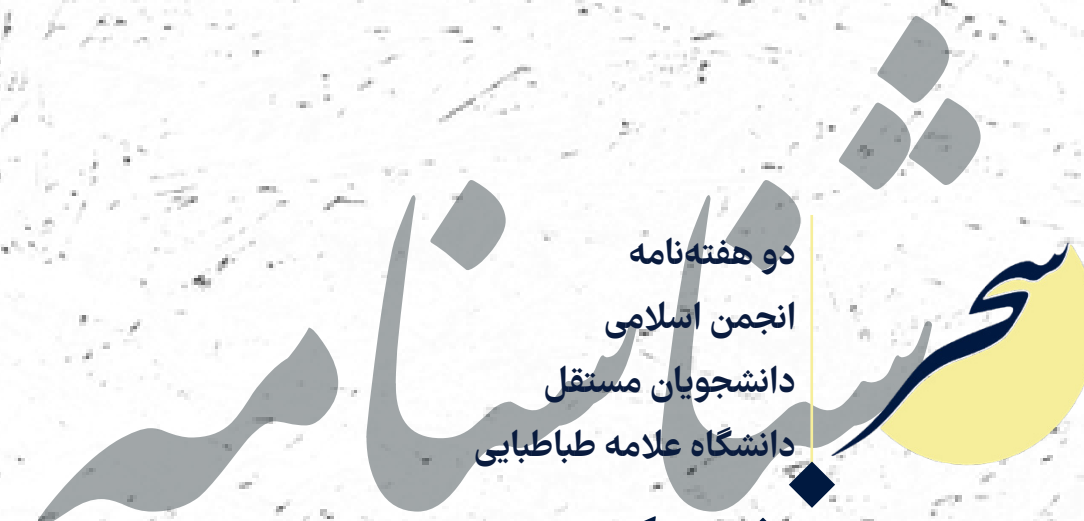
جهاد در میدان تولید

صفحه ۱۲

انقراض یا انقلاب صنعت خودرو؟

صفحه ۸

فهرست



دو هفته‌نامه
انجمن اسلامی
دانشجویان مستقل
دانشگاه علامه طباطبائی

دو هفته‌نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی سحر

دانشگاه علامه طباطبائی | سال ششم | شماره چهل و هشتم | اسفندماه ۱۴۰۰

رسانه‌های مثلاً بی طرف

طلای سیاه گران‌تر از طلای زرد!

انقراض یا انقلاب صنعت خودرو؟

مرزهای فراموش شده

جهاد در میدان تولید

بازگشت دانشگاه به اصل خویش

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان مستقل

دانشگاه علامه طباطبائی

مدیر مسئول: علیرضا بهرامی

سر دبیر: زهرایلوئی

ویراستار: زهرا صیدی

هیئت تحریریه: محمد جواد عباسی، هلیا خراسانی،

علیرضا خلیل‌زاده، امیررضا سلحشور، نرگس

محمدی دوست، نرگس جانی

صفحه‌آرا: محمدحسین نیکبخت

۴

۶

۸

۱۰

۱۲

۱۴

رسانه‌های مثلاً بی طرف

پیرامون قدرت رسانه‌ها در بازتاب تحولات مهم جهان

محمدجواد عباسی

عضو فعال
دانشکده حقوق و ع.سیاسی

استقلال و بی‌طرفی رسانه‌ها در دنیای امروز موضوعی طنز است و عملکرد رسانه‌ها در بازنمایی واقعیت و رفتار جهت‌دارشان با اهداف خاص نشان‌دهنده این امر است. تاثیرگذاری رسانه‌ها در دنیای امروز بسیار زیاد است و به نوعی قدرت برای صاحبانشان تبدیل شده است. در حقیقت ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که برای اخبار و داده‌های جدید گرسنه است و کشوری که دسترسی سریع‌تری به اخبار و اطلاعات برای شهروندان خود فراهم کند، از بقیه جلوتر می‌افتد. در دنیای امروزی بدلیل فراگیر شدن شبکه‌های اجتماعی و تبدیل شدن آن به بخش عمده‌ای از زندگی مردم، اخبار مختلف به سرعت به تمامی دنیا می‌رسد. سلطه رسانه‌ای آمریکا و

غرب بر مطبوعات، شبکه‌های تلویزیون و ماهواره‌ها و فضای مجازی باعث به‌وجود آمدن قدرت بسیار زیادی برای تحمیل خواسته‌ها بر افکار عمومی تمامی مردم جهان شده است. خوب جلوه دادن جنایت‌های آمریکا و اسرائیل در کشورهای دیگر که عملاً تجاوز محسوب می‌شود و همچنین بد جلوه دادن انقلاب و تحرکاتی که سلطه آمریکا را از بین می‌برد از تکراری‌ترین رفتار این رسانه‌ها است. همچنین تبلیغات گسترده‌ای بر علیه مسلمانان و حجاب وجود دارد که باعث ترس مردم کشورهای مختلف از مسلمانان و تروریست قلمداد کردن آن‌ها می‌شود. اسطوره ساختن از اشرف غنی فراری و تروریست دانستن انصارالله یمن مثال‌هایی از قدرت رسانه‌ای است.

روسیه جدیدترین قربانی

در عملیات ویژه نظامی روسیه به اوکراین رسانه‌ها با گزارش‌های یک‌طرفه بدون اینکه به دنبال دلیل باشند سعی بر تخریب جایگاه روسیه در دنیا و بی‌اعتبار کردن آن کشور را داشتند. اگر بخواهیم بدون جانبداری و واقع‌بینانه به این جنگ نگاه کنیم، نباید به تخریب یک‌طرف پرداخت و باید به دنبال دلیل بود. آزادی بیان مفهومی است که کشورهای غربی و صاحبان این سلطه‌ی رسانه‌ای به ظاهر بسیار برای آن می‌کوشند اما در

شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام و فیسبوک بکار بردن الفاظ رکیک را برای کشور روسیه و شخص پوتین را آزاد کرده‌اند. این طرفداری و حمایت از اوکراین به این دلیل است که دولت اوکراین دست‌نشانده آمریکا است. همسایگی این کشور با روسیه امتیاز بزرگی برای آمریکایی‌ها است. چرا که روسیه کشوری است که در برابر آمریکا ایستاده و قدرت آمریکا را تهدید می‌کند.

برتری نژادی چشم‌آبی‌ها

در حالی که سال‌ها است مردم مظلوم یمن توسط ائتلاف سعودی و امارات به وحشیانه‌ترین شکل بمباران و کشته می‌شوند اما رسانه‌ها سکوت کرده و بعضاً آن‌ها را تروریست می‌خوانند. این سکوت فقط در رسانه‌ها نیست و در مجامع بین الملل نیز سکوتی فراگیر شده است. اما در چند هفته اخیر که جنگی بین روسیه و اوکراین صورت گرفته است تمام مردم روسیه و مقامات آن به شدت در رسانه‌ها و در دنیا محکوم می‌شوند. خبرنگاری در گزارشی می‌گوید: «این‌ها مردم افغانستان یا یمن نیستند این‌ها مردم اروپایی و متمدن اوکراین هستند که دارند کشته می‌شوند.»

در پایان باید گفت بین ادعاهای رسانه‌ها در مورد رفتارشان و چیزی که در عمل از آن‌ها دیده می‌شود تناقض جدی وجود دارد و اکثر رسانه‌ها وابسته هستند. آنچه به عنوان اخبار در رسانه‌های امروز غرب می‌بینیم یا می‌شنویم، عمدتاً "منتخب" و "هدفمند" بوده و علل و پیامدهای یک واقعه را براساس دیدگاهی ویژه و منحصر به فرد، بررسی می‌کنند. به ندرت به اخباری برمی‌خوریم که دقیق و مستند ارائه شده و مبتنی بر آمار و ارقام

موثق باشد. تلخ‌تر این‌که با گذشت

سال‌ها از تبلیغات رسانه‌ای غرب و پیشرفت روزافزون فناوری‌های ارتباطاتی و علوم شناختی در چند دهه‌ی اخیر، قوه‌ی قضاوت و تحلیل مخاطبان جهانی این رسانه‌ها رو به کاستی نهاده است و همین امر باعث شده حتی ساده‌ترین دروغ‌ها در رسانه‌های غربی به امری مستند و قابل هضم برای شنوندگان یا بینندگان تبدیل شوند.

بین ادعاهای رسانه‌ها

در مورد رفتارشان و

چیزی که در عمل

از آنها دیده می‌شود

تناقض جدی

وجود دارد و

اکثر رسانه‌ها وابسته

هستند.

آنچه به عنوان اخبار

در رسانه‌های امروز غرب

می‌بینیم یا می‌شنویم،

عمدتاً

"منتخب" و "هدفمند"

بوده و علل و پیامدهای

یک واقعه را براساس

دیدگاهی ویژه و منحصر

به فرد، بررسی می‌کنند.

”



طلای سیاه گران‌تر از طلای زرد!

بررسی جایگاه انرژی ایران در جنگ روسیه و اوکراین

هلیا خراسانی

دبیر سیاسی
دانشکده حقوق و ع.سیاسی

در دوران درگیری‌های روسیه و اوکراین، منابع انرژی کشورهای اروپایی سخت تحت‌تأثیر این بحران قرار گرفت. فرایند سریع و رو به رشد تولید انرژی و افزایش صادرات و واردات آن به کشورهای مختلف و همچنین کاهش وابستگی کشورهای واردکننده نفت و گاز، باعث افزایش تمایل و رغبت دولت‌های اروپایی به سمت تنوع‌طلبی و اجرای معاهده‌های مختلف در حوزه تامین منابع انرژی شد. اکنون این مسئله هم کشورهای نفت‌خیز و هم کشورهای محتاج به نفت را درگیر کرده است. حملات روسیه به اوکراین و عدم صادرات نفت به برخی کشورها سرآمد افزایش قیمت و جنگ بر سر نفت است.

بلای تحریم بر سر انرژی

روسیه معمولاً نقش و تاثیر مهمی در تامین انرژی اروپا دارد؛ به‌طوری‌که حدود ۴۰ درصد گاز طبیعی و زغال سنگ و یک چهارم نفت مورد نیاز اروپا را تامین می‌کند. برخلاف تصور اروپا و آمریکا تا امروز هیچ کشوری نتوانسته برای تامین منابع، جایگزین روسیه شود. از سوی دیگر، صنعت نفت و گاز ایران از سال‌های گذشته به علت سیاست‌های

زبان عدد و رقم‌ها بر سر انرژی

اینک با وجود جنگی که بین روسیه و اوکراین اتفاق افتاده، فروش نفت و گاز کماکان با مشکل روبه‌رو شده است. براساس گفت‌وگوهایی که بین کشورهای دارای نفت و گاز تا قبل از وقوع جنگ انجام شد، قطر، آذربایجان و الجزایر آمادگی مشروط خود را برای تامین گاز طبیعی و ال‌ان‌جی در میان مدت برای اروپا اعلام کرده‌اند. قطر بیشتر محموله‌های ال‌ان‌جی را پیش‌فروش کرده و ظرفیت مازاد تولید ندارد. آذربایجان در صورت انعقاد قراردادهای بلندمدت و جذب سرمایه‌گذاری می‌تواند گاز طبیعی بیشتری



ترکیه این پیشنهاد را مطرح کرده بود اما توجه چندانی به آن نشده بود. اخیراً بدلیل بحران پیش آمده در حوزه تامین انرژی برای غرب این پیشنهاد توسط اسرائیل و آمریکا مطرح شده است. نکته‌ای که قابل توجه در این مختصات حذف روسیه از معادلات گازی است. اگر ترکیه و اسرائیل جایگزین روسیه شوند، روابط اقتصادی ترکیه با روسیه دچار اختلال می‌شود. حدود ۳۳ درصد گاز و ۶۶ درصد گندم ترکیه توسط روسیه تامین می‌شود. البته این جایگزینی برای ترکیه وجود دارد که گندم و گاز خود را از طریق اوکراین نیز وارد کند. چون اوکراین و روسیه حدود یک چهارم گندم جهان را تامین می‌کنند. با وجود نتایج بعضاً منفی‌ای که ممکن است در روابط اقتصادی این سه کشور بوجود بیاید، راه‌حل مطلوب برای تامین گاز انتقال از طریق چاه‌های مدیترانه است. با تحریم انرژی و شروع بحران اوکراین قیمت نفت هم افزایش پیدا کرد. آمریکا برای تامین نفت خود و کاهش قیمت نفت قصد وارد کردن ایران و ونزوئلا به بازار را دارد. با این شروط که ونزوئلا فقط می‌تواند نفت خود را به آمریکا بفروشد. نکته‌ای که قابل توجه در تنگنا قرار گرفتن آمریکا و غرب است. این شرایط به نفع ایران است و دست تیم مذاکره‌کننده را در شروط و راستی آزمایشی‌ها باز می‌گذارد.

فراهم کند اما این مسئله هیچ تضمینی برای اجرا ندارد. از سوی دیگر، کشور ونزوئلا با مقام اول ۲۱ درصد، عربستان سعودی با مقام دوم ۱۹ درصد و ایران با جایگاه سوم ۱۸ درصد جهان، امکان این را دارند که سهم بسیار عظیمی از سوخت را مهیا کنند. در سال ۲۰۲۰ اروپا با حدود ۳۹۹ میلیارد متر مکعب گاز مصرفی، نزدیک به ۶۵ میلیارد از گاز مصرفی‌اش را خودش تولید کرده بود. این آمار نسبت به مابقی تشابه سه ماه اول سال ۲۰۱۲ به ۳۲ میلیارد متر مکعب افزایش پیدا کرد.

رویای حذف روسیه از معادلات گازی

در حال حاضر اروپا با دو مشکل اساسی در تامین گاز خود مواجه است. زیر ساختی که بتوان گاز را انتقال داد و منبعی که بتوان جایگزین ۴۰ درصد گازی که از روسیه وارد می‌کند، باشد. بعضی از مقامات اروپایی مثل صدراعظم آلمان فعلاً قراری بر حذف روسیه از حوزه صادرات گاز به اروپا ندارند. اما باید به فکر جایگزینی در این راستا باشند. اخیراً سفر هرتزوغ، رئیس اسرائیل به ترکیه راه‌حل جدیدی را پیش پای اتحادیه اروپا گذاشته است. پیشنهادی که مطرح شده مبنی بر انتقال گاز از اسرائیل توسط ترکیه است. چندی قبل تر از تکرار این پیشنهاد توسط اسرائیل

انقراض یا انقلاب صنعت خودرو؟



علیرضا خلیل زاده

عضو فعال
دانشکده مدیریت و حسابداری

کامل اجرا شوند شاهد کاهش شدید قیمت خودرو خواهیم بود که خبر خوبی برای مردم است. اما اگر کمی دقیق‌تر نگاه کنیم برداشت‌های بیش‌تری می‌توان کرد.

در این که ابهامات بسیاری در اجرای این دستورات وجود دارد شکی نیست؛ در اولین قسمت در بخش خصوصی‌سازی خودروسازی‌ها، اگر مثل بقیه خصوصی‌سازی‌ها پای شرکت‌های خصولتی و سازمان‌ها در میان باشد رسماً هیچ تغییری در روند کنونی تولید خودرو صورت نمی‌گیرد ولی اگر این اتفاق نیافتد باعث بزرگ‌ترین انقلاب و تحول در این صنعت می‌شود. همچنین اجرای این دستورات با وجود بدهی ۱۰۰ هزار میلیارد تومانی خودروسازان به قطعه‌سازان بسیار مشکل است و بار مالی شدیدی را در پی دارد.

علاوه بر آن جای خالی‌های زیادی در این دستورات احساس می‌شود. به‌طور مثال توقف روش فروش خودرو به صورت قرعه‌کشی که یکی از فاسدترین قسمت‌های صنعت خودروسازی است. همچنین یکی از کارآمدترین روش‌ها برای ایجاد فضای رقابتی در این صنعت آزادسازی واردات خودرو است. البته رئیس‌جمهور به تنهایی نمی‌تواند همچنین عملی را انجام دهد و برای آزادسازی واردات خودرو نیاز به مصوبه مجلس دارد. یکی از اساسی‌ترین دلایل

در این یادداشت می‌خواهیم به بخش‌های مختلف دستورهای هشت‌گانه جناب آقای رئیسی درباره صنعت خودروسازی بپردازیم. در وهله اول این سوال در ذهن همه افراد پیش می‌آید که چه اتفاقاتی پیش زمینه شد که رئیس‌جمهور به این بازدید بروند و این دستورات را صادر کنند. در واقع رشد عجیب و ۱۸ درصدی قیمت خودرو از یک سمت و توقیف خودروهای ناقص و نیمه‌کاره توسط سازمان بازرسی کل کشور از سمت دیگر رئیس‌جمهور را مجاب کرد تا وارد عمل شوند.

از جمله دستورهایی که رئیسی در جهت حمایت از حقوق مصرف‌کننده‌ها صادر کرد افزایش ۵۰ درصدی تولید خودرو در سال ۱۴۰۱ است. بر این اساس مقرر شد سازوکارهای لازم به منظور تولید و عرضه حداقل یک «خودروی اقتصادی» با ساختار به روز فراهم گردد. طبق این دستور پیش‌بینی شده است در سال ۱۴۰۱ حداقل تولید ۳ خودروی قدیمی متوقف و ۳ خودرو جدید با کیفیت مطلوب تولید و عرضه شوند. در نگاه اول به این هشت دستور می‌توان فهمید که اگر تک تک دستورات به‌طور



است که تمام مسئولان دیگر باید در مسیر و هم‌راستای این تلاش‌ها از دولت حمایت کنند. سوالی که بعد از نگاه کلی و جزئی به این دستورات ایجاد می‌شود این است که آیا این دستورات هشت‌بندی قابل اجراست یا خیر؟ به‌طور کلی اجرای این دستورات در یک جامعه و کشور آرمانی از نگاه مدیریتی ممکن است ولی در ایران با وجود موانع قدرتمند تحریم، تورم، مافیای خودرو، رانت و... اجرای این دستور بسیار سخت شده است. البته

که انسان به امید زنده است و ایران ثابت کرده هیچ اقدامی ناممکن نیست. **شرکت‌های خودروسازی، قطعه‌سازان و دیگر صنایع چرخه تولید خودرو باید در میدان**

در پایان این دستورات هشت‌گانه با تمام کمی و کاستی و مشکلاتی که دارد باعث پیشرفت بسیاری در عرصه تولید خودرو و بازار فروش آن می‌شود. پس در بدترین حالت هم خوب است و برای پیشرفت کشور لازم است.

در پایان این دستورات هشت‌گانه با تمام کمی و کاستی و مشکلاتی که دارد باعث پیشرفت بسیاری در عرصه تولید خودرو و بازار فروش آن می‌شود. پس در بدترین حالت هم خوب است و برای پیشرفت کشور لازم است.

افزایش قیمت خودرو، تحمیل نیروی انسانی به جای استفاده از نیروی ماهر است که در واقع ترجیح دادن کمیت بر کیفیت است. به‌طور کلی جناب آقای رئیسی حاضر به ارزان شدن قیمت خودرو به نفع مردم و به ضرر تولیدکننده‌ها نیست چون مسئله بورس هم مورد بررسی است و افراط و تفریط در این مقوله باعث ضرری اساسی می‌شود.

مقام معظم رهبری در سخنرانی خود در ۱۰ بهمن ماه فرمودند: «حمایت‌های عملی و تبلیغاتی از تولید داخلی باید منجر به ارتقای کیفیت محصولات و همچنین ارتقای فناوری شود اما متأسفانه در برخی صنایع به‌ویژه در صنعت خودرو به موضوع کیفیت توجه نمی‌شود و مردم نیز به‌حق به آن‌ها اعتراض دارند.» این سخنان نشانگر این است که کیفیت صنعت خودروسازی مسئله مهم جامعه امروزی است و از مهم‌ترین معضلات کشور است. پس از دستور رئیس‌جمهور در اصلاح رویه‌های تامین خودرو در کشور، انتظار همگان از خودروسازان لبیک عملی به این اصلاح ساختاری است. شرکت‌های خودروسازی، قطعه‌سازان و دیگر صنایع چرخه تولید خودرو باید در میدان ارائه خدمات به مردم رویه‌های موجود را کنار گذاشته و در شرایط دشوار امروز جهادی اقدام کنند. قطعاً در مسیر اجرای ۸ فرمان رئیس‌جمهور موانعی هم وجود خواهد داشت اما نه آن میزان که در نگاهی پویا قابلیت رفع نداشته باشند. به توصیف علی بهادری جهرمی، سخنگوی دولت، تلاش‌های رئیس‌جمهور در راستای تغییر شرایط به نفع مردم است و به همین دلیل

”

مراودات فرهنگی ملت‌ها با یکدیگر هستند. ضعف در اقتصاد فقط وضعیت معیشتی مردمان این مناطق را آسیب‌پذیر نمی‌کند بلکه موجب ضربات فرهنگی توسط جوامع آن سوی مرزها در مبادلات فرهنگی و اجتماعی می‌گردد. زیرا آسیب‌پذیری فرهنگی جوامعی که با مشکلات اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند بیشتر از جوامعی با وضعیت مطلوب و متعادل است. افزایش بی‌سابقه تفکرات جدایی‌طلبانه در برخی استان‌های مرزی خود گواهی بر این مدعا است. مطالب فوق نشان‌دهنده اهمیت روز افرون پدیده مهاجرت از روستا به شهر به‌ویژه در مناطق مرزی است.

اگر به دنبال علت افزایش

مهاجرت داخلی

باشیم با واژه‌ی

محرومیت

مواجه خواهیم شد.

درآمد کم و بیکاری فصلی،

دسترسی کم

به امکانات آموزشی،

امکانات رفاهی و

خدمات زیربنایی

از اصلی‌ترین

عواملی است

که افراد را به

مهاجرت

تشویق میکند.

”

امنیتی بررسی کند و در مسیر اصلاح رویکردها قدم بردارد.

مانند ایران که در منطقه‌ای پرتلاطم واقع شده و سالیان متمادی برای رسیدن به امنیت پایدار کوشیده است، مسئله‌ای حیاتی است. فرصت‌های محدودی برای کمک به بازگشت جمعیت این مناطق وجود دارد که باید جدی گرفته شود.

فرار از محرومیت

مهاجرت عامل افزایش و کاهش جمعیت در یک منطقه و تغییر در ساختار جمعیت آن منطقه می‌شود. مهاجرت، واکنش انسان به شرایط نامطلوب زندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیط زیست و تلاش برای بهبود شرایط و جابه‌جایی مکان زندگی خود بوده است. اگر به دنبال علت افزایش مهاجرت داخلی باشیم با واژه‌ی محرومیت مواجه خواهیم شد. درآمد کم و بیکاری فصلی، دسترسی کم به امکانات آموزشی، امکانات رفاهی و خدمات زیربنایی از اصلی‌ترین عواملی است که افراد را به مهاجرت تشویق می‌کند. افزایش قاچاق و کولبری و همچنین افزایش تمایل افراد به فعالیت‌های غیرقانونی از تبعات محرومیت‌هایی است که در سایه کم‌توجهی مسئولین به این جوامع بااهمیت به‌وجود آمده است.

دروازه‌های رها شده

مرزها دروازه‌های مبادلات اقتصادی و فرهنگی هستند. وجود گمرک‌ها و بازارچه‌های مرزی از جمله فعالیت‌های اقتصادی است که به حیات و رشد جوامع مرزنشین کمک می‌کند. تجارب به‌دست آمده از تلاش برای احیای شهرها و روستاهای مرزی نشان می‌دهد که با حمایت از بنگاه‌های اقتصادی و بازارچه‌های مرزی می‌توان بسیاری از مسائلی که باعث مهاجرت ساکنین می‌شود را مرتفع کرد. دادوستدهای مرزی نه‌تنها بخش اقتصادی را دربر می‌گیرد بلکه باعث



مرزنشینان باعث تشدید نگرانی‌ها گردیده است. شهرها و روستاهایی که باید پویا و سرزنده باشند، روز به روز خالی‌تر از سکنه می‌شوند و جمعیت‌شان را از دست می‌دهند. این مقوله در مناطق مرزی که نقش مهمی در مسائل اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و اجتماعی دارند خطری جدی محسوب می‌شود که در ایران نیز زنگ بحران آن به گوش می‌رسد.

سنگرهای خالی

روستاها و شهرهای مرزی تشکیل‌دهنده زنجیره‌ی امنیتی کشور هستند. افراد روستایی مرزنشین و حمایت‌ها و همکاری‌های آن‌ها به‌عنوان ذی‌نفعان اصلی و اولیه امنیت مرزی در این رابطه نقش بسیار اساسی دارد. کاهش جمعیت این مناطق موجب از هم گسستگی زنجیره و بروز مشکلات متعدد امنیتی می‌گردد. کارشناسان معتقد هستند که گسستگی زنجیره امنیتی عواقب جبران‌ناپذیری را به همراه دارد که با افزایش امکانات نظامی، تاکتیکی و لجستیکی هم قابل جبران نخواهد بود. بحران کاهش جمعیت مناطق مرزی برای کشوری

سرآغازی بر مسئله تغییرات جمعیتی در شهرها و روستاهای مرزی



پدیده‌ی روستاهای خالی از سکنه، ذهن پژوهشگران را سال‌ها به خود مشغول کرده است. پدیده‌ای که از سال ۱۹۰۰ میلادی جهان را درگیر خود کرد و در قرن بیستم پس از میلاد شدت گرفت. در واقع افزایش مهاجرت از روستا به شهر جزئی از فرآیند صنعتی شدن جوامع است و کشورهای درحال توسعه با آن مواجه می‌شوند. مردمان روستاها گروه گروه به سمت شهرهای مدرن کوچ می‌کنند تا شاید بتوانند زندگی بهتری را برای خودشان دست و پا کنند. اما این مهاجرت‌ها سرشار از آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی، همچون افزایش حاشیه‌نشینی، پیدایش روستاهای زنانه، افزایش بزهکاری و... است.

در ایران نیز فرایند مهاجرت به شهرها وجود داشته و دارد اما سرعت گرفتن این پدیده به‌ویژه در میان



گفتمان تولید ملی در ایران

در ایران هم اقداماتی همانند ممنوعیت یا افزایش تعرفه واردات برخی محصولات، کمپین‌های حمایت از تولید داخلی، نمایشگاه‌ها و فروشگاه‌های کالای داخلی، حمایت و مدیریت کسب‌وکارهای کوچک در جهت حمایت از کالاهای تولید داخلی صورت گرفته است اما تاکنون نتیجه مطلوبی برای کشور نداشته است.

یک ایراد جدی که در کشور وجود دارد مرتبط با صنعت نساجی است. هم‌اکنون ما در بازار شاهد حجم زیادی از البسه هستیم که تولید کشورهای دیگر هستند و تعداد زیادی به‌صورت قاچاق وارد کشور شده‌اند که باید برای آن‌ها تدبیری اندیشید. از طرف دیگر تولیدکنندگان باید کیفیت خودشان را ارتقاء دهند و برندسازی کنند تا مصرف‌کنندگان با استفاده از کالای داخلی احساس رضایت داشته باشند.

البته در دهه اخیر تعدادی از صنایع، خطوط تولیدی خود را احداث کردند و مورد اقبال عمومی هم قرار گرفتند؛ مثلاً صنعت نوشت‌افزار ایرانی در سال‌های اخیر پیشرفت خوبی داشته و این موفقیت را می‌توان مرغون تبلیغات گسترده رسانه ملی در بخش کودک و نوجوان دانست؛ زیرا عمده مصرف‌کنندگان این صنعت را نسل جوان جامعه تشکیل می‌دهند و پذیرفتن فرهنگ مصرف از طریق آموزش برایشان راحت‌تر و ساده‌تر است.

اگر خواهان ایران مقتدر و سرافراز هستیم، ابتدا باید سیاست‌گذاری‌های کشور را به سمت تسهیل کسب‌وکار ببریم و بعد با خرید کالاهای داخلی، آن‌ها را حمایت کنیم. رسانه‌ها تشکل‌های دانشجویی، مدارس، دولت، اداره‌ها و عموم مردم باید متولی این امر باشند و هرکدام از ما باید در حد خودمان ایفای نقش کنیم و در گسترده کردن این گفتمان فعالیت کنیم.

تجربیات سایر کشورها

کشور آلمان پس از اتمام جنگ جهانی دوم، متحمل خسارت‌های زیادی شد. با اقدامات هوشمندانه‌ای که دولتشان در طی سال‌های ۱۹۴۹ تا ۱۹۶۶ در پیش گرفت توانستند سیاست افزایش صادرات و نگه داشتن میزان واردات در سطح پایین را اجرا کنند و با همین ترفند، جایگاه خودشان را در جهان ارتقاء بخشند.

کره جنوبی نیز فرهنگ‌سازی گسترده‌ای انجام داده است. مردم این کشور حساسیت بالایی نسبت به مصرف کالاهای بومی خود دارند؛ به‌نحوی که به‌سادگی حاضر نمی‌شوند کالاهای خارجی مشابه را حتی با کیفیت بالاتر استفاده کنند.

در ایالات متحده قانونی وجود دارد که بیان می‌کند کالاها باید از کشوری خریداری شود که آمریکا سهمی از شرکت‌های تولیدکننده آن داشته باشد یا فناوری به‌کارگرفته شده در تولیدشان از محصولات آمریکایی باشد.

در آفریقای جنوبی نیز پویایی به‌راه افتاد به نام «با افتخار آفریقای جنوبی» که در آن شرکت‌های تولیدی و تجاری مختلف به عرضه محصولات خود می‌پردازند و مورد حمایت دولت، سازمان تأمین اجتماعی و مردم است. ماهاتما گاندی در فرهنگ‌سازی حمایت از پارچه‌های تولید هند نقش بسیاری دارد. چنان‌که پس از گاندی این جهت‌گیری به موجی ملی تبدیل شد و صنایع نساجی انگلیسی در هند به سمت ورشکستگی رفتند و هند در تولید پارچه به خودکفایی رسید. امروزه تصویر چرخ ریسندگی به نمادی از انقلاب هند تبدیل شده و این اقدام مورد احترام مردم هند است.



شاغل باشد، می‌تواند زمینه‌ساز کاهش آسیب‌های اجتماعی همانند: بیکاری، فقر مطلق، طلاق و... باشد. از سوی دیگر زمانی که اقبال عمومی از کالاهای داخلی افزایش یابد، شاهد افزایش تقاضا خوراهیم بود و این امر باعث می‌شود تا تولیدکنندگان مجبور شوند بهره‌وری و کیفیت محصولات خود را افزایش دهند که در نهایت نتیجه به‌نفع خود مصرف‌کنندگان خواهد بود. تقویت تولیدات ملی در تعامل با سایر کشورها موجب ثبات نرخ ارز داخلی می‌شود و این‌گونه با کوچکترین تغییراتی دچار نوسان نخواهد شد. همچنین این امر سبب می‌شود تا ارزهای موجود در کشور، بجای هزینه برای کالاهای مشابه، صرف امور مهم‌تر شود.

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اقتدار و آبادانی هر سرزمینی میزان تولیدات مردم آن سرزمین می‌باشد و مقدار آن تحت عنوان شاخص «تولید ناخالص ملی GDP» اندازه‌گیری می‌شود که براساس آن می‌توان فعالیت‌های اقتصادی کشورها را بررسی و با یکدیگر مقایسه کرد. در نتیجه هر کشوری که سهم بیشتری از تولیدات جهان را به خود اختصاص بدهد، شانس بیشتری برای نقش‌آفرینی و قدرت‌نمایی در سطح بین‌الملل خواهد داشت.

پیرامون چرایی حمایت از تولید داخلی



حمایت از تولید و کالاهای داخلی هر کشور فواید بسیاری بر اقتصاد آن کشور خواهد گذاشت و به دنبال آن شماری از معضلات فرهنگی را هم می‌توان کاهش داد. ملت‌های فراوانی در دنیا هستند که حاضرند برای خرید کالاهای کشور خودشان مبالغ بیشتری پرداخت کنند یا میزان استفاده‌شان از کالاهای وارداتی را به حداقل برسانند. در ادامه بررسی خواهیم کرد که چرا تعداد زیادی از مردم کشورهای جهان دست به انتخاب کالای ساخت کشور خودشان می‌زنند و برخی دیگر از محصولات خارجی استفاده می‌کنند.

لزوم حمایت از ارزش‌ها

حمایت از محصولات داخلی برای مردم هر کشوری نوعی ارزش تلقی می‌شود؛ زیرا با حمایت از کالای داخلی از ابتدا تا انتهای حلقه‌های زنجیره تولید کالا درون کشورشان تشکیل می‌شود. بدین طریق تعداد زیادی از مردم همان کشور صاحب شغل می‌شوند و نرخ اشتغال بالا می‌رود. طبعاً وقتی نیروی انسانی

بازگشت دانشگاه به اصل خویش

لازمه ایجاد دانشگاه اسلامی، تربیت اساتید اسلامی است.

نرگس جانی

دبیر دانشکده
الهیات و معارف اسلامی



درفروردین ۵۹ بود که بر طبل گسترش فرهنگ اسلامی در جامعه و کوچ فرهنگ غربی کوبیده شد. در یک پیام از امام (ره) آمده بود: (خروج از فرهنگ غربی و نفوذ و جایگزین شدن فرهنگ آموزنده اسلامی در تمام زمینه‌ها در سطح کشور آنچنان محتاج کوشش است که برای تحقق آن سالیان دراز باید زحمت کشید و با نفوذ عمیق فرهنگ ریشه‌دار غرب مبارزه کرد). این پیام ضرورتی شد تا ستاد انقلاب فرهنگی در سال ۵۹ تشکیل شود. از آنجائیکه دانشگاه‌ها محیط بیمارگونه گسترش فرهنگ غربی بودند؛ مدتی تعطیل شدند تا به محیطی سالم جهت آموزش علوم انسانی اسلامی با گزینش اساتید معتقد به فرهنگ اسلامی تبدیل شوند. بعد از آن در ۱۹ آذر ۶۳ ستاد انقلاب فرهنگی با ترکیب

جدیدی به شورای عالی انقلاب فرهنگی تغییر یافت. از مهم‌ترین اهداف این شورا گزینش اساتید شایسته برای تدریس بود اما در طی ۴۱ سال چقدر به این موضوع مهم پرداخته شده است؟

تربیت اسلامی در گرو اساتید اسلامی

از عناصر مهم تربیت یک جامعه متدین و معتقد به فرهنگ اسلامی اساتید هستند. یک نهاد انسان‌سازی مثل دانشگاه باید در گزینش اساتید بسیار سختگیرانه عمل کند. تاکنون برنامه‌ای در جهت تغییر یا ارتقاء بینش اساتید تدوین نشده است. در بسیاری از دانشگاه‌ها شاهد هستیم که برخی از اساتید به ظاهر انقلابی، عقاید لیبرال و سکولار را به خورد دانشجویان می‌دهند. بعضی اساتید از لحاظ علمی آنچنان محتوایی ندارند و مقید به اصول اخلاقی نیستند. بدتر از همه این افراد، اساتیدی هستند که در جهت تبلیغ عقاید غرب‌زده خود، دانشجو را نسبت به کشور و آینده زندگی خود دل‌زده می‌کنند. از آنجائیکه شورای اسلامی شدن دانشگاه تشکیل

شد و مصوبه «سند دانشگاه اسلامی» در جلسه ۷۳۵ مورخ ۱۳۹۲/۴/۲۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید اما در این زمینه پیشرفت چشمگیری نداشتیم. سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا به مفاد سند عمل نمی‌شود یا در گزینش اساتید بویژه هیئت علمی مواردی نظیر: مقید بودن به نظام جمهوری اسلامی و... به آن توجهی نمی‌شود؟ آیا بینش اسلامی اساتید برای وزرات علوم و دانشگاه‌ها مطرح است یا خیر؟ چگونه می‌توان معیارهایی مطرح کرد که بتواند تضمین کند استاد انتخاب شده بینش اسلامی دارد یا خیر؟

با توجه به ضعف‌هایی که در گزینش اساتید داریم راهکارهایی برای کاهش یا از بین بردن آن عنوان می‌شود. نظیر: فرهنگ‌سازی و شکل‌گیری باور لیبرال بودن علوم غربی و جایگزینی آن با فرهنگ ناب اسلامی که این کار قاعدتاً توسط اساتید صورت می‌گیرد. راه دوم، ارائه برنامه سالانه توسط اساتید بویژه اساتید هیئت علمی است که چقدر در رواج فرهنگ اسلامی تلاش کرده‌اند. در این زمینه نیاز به تشکیل شورایی مبنی بر نظارت بر گزینش

اساتید معتقد به اسلام است. همچنین در گزینش و مصاحبه از اساتید آزمون‌های مبنایی و اعتقادی دقیقی طراحی شود.

سخن آخر

دانشگاه به‌عنوان مبدا تحولات، باید از ابعاد مختلفی سنجیده شود تا آرمان دانشگاه اسلامی محقق گردد. یکی از این ابعاد، اساتید دانشگاه هستند. باید در گزینش عقاید اساتید بسیار دقیق عمل کرد. تربیت انسان خدامحور و انقلابی نیازمند اساتید مقید به نظام و انقلابی دارد. در انتها از مسئولین محترم دانشگاه و عزیزانی که در سیاست‌گذاری و گزینش هیئت علمی دخیل هستند، تقاضا می‌شود تا درباره سوالاتی که در این زمینه مطرح می‌شود پاسخگو باشند. ان‌شاءالله در شماره‌های بعدی نشریه سحر با مسئول مربوطه در دانشگاه مصاحبه خواهد شد. از ایشان قبول مصاحبه و پاسخگویی درباره شفاف‌سازی ابهامات موجود در گزینش هیئت علمی در دانشگاه را خواستاریم.





دُنیا بهشت است



در اعیاد موالید ائمه، از گذشته تجلیل میکنیم؛ اما در عید نیمه شعبان، همه‌ی نگاه به آینده است؛ یعنی این نگاه دو چیز را با خود دارد: یکی امید، یکی تلاش. دل‌های افسرده در نهایت گرفتاری و تنگنا، یک روزنه‌ی روشن و درخشانی به یک دنیای نورانی و بهشت‌آسا در مقابل چشمشان می‌بینند و به آینده امید دارند.

رهبر انقلاب اسلامی
۱۳۹۴/۰۳/۱۲